

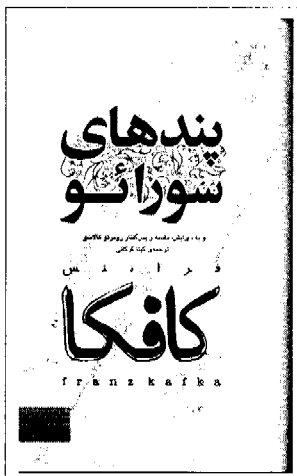
کافکا و گزین‌گویه‌هایش

[در کشمکش میان خودت و دنیا دامن دنیا را بچسب]

کافکا

مروری بر کتاب پندهای سورانو / فرانتس کافکا

• آرش نقیبیان



کتاب

آلمانی نظیر: شوپنهاور، کانت و هگل یک سیستم و نظام فلسفی واحد و به سامان ندارد بسیاری از اندیشه‌های فلسفی خود را که بیشتر بای (معرفت‌شناسانه) دارند به‌خصوص در کتاب (فراسوی نیک و بد) عرضه می‌کند. در دیگر آثار نیچه نیز گه‌گاه به این‌گونه تفلسف‌ها که با زبانی فاخر و سبکی ادبی بیان گردیده برمی‌خوریم.

برای دوستداران ادبیات جهان این تصور که از فرانتس کافکا نایفه بزرگ ادبیات چک (آلمانی‌زبان) نیز حجم قابل توجهی جملات قصار باقی مانده باشد بدون شک هیجان‌انگیز و اندکی غیرمترقبه است. در سال‌های دهه چهل خورشیدی به همت فرامرز بهزاد و انتشارات خوارزمی کتاب ارزنده‌ای به فارسی منتشر شد به نام «گفت‌وگو با کافکا» نوشته گوستاو یانوش که خوشبختانه این کتاب پس از چند دهه غیبت و نایاب بودن اخیراً به چاپ مجدد رسیده است. در خلال این کتاب که گفت‌وگویی جذاب بین نوجوانی به نام گوستاو یانوش و فرانتس کافکا است به بسیاری از نکات کلیدی، جملات قصار و اندیشه‌های پیچیده نویسنده که بعدها در سه رمان معتبر او یعنی قصر، محاکمه و امریکا به چاپ رسید برمی‌خوریم. همچنین در این کتاب رگه‌هایی قوی و قابل رویت از آن‌چه را به تعبیر موریس بلانشو «فلسفه کافکا» نام دارد، به عینه مشاهده می‌کنیم.

جالب این‌جاست که پس از سال‌ها که از تألیف و ترجمه آن کتاب می‌گذرد فارسی‌زبانان و علاقه‌مندان به این نویسنده «که تعدادشان در ایران کم نیست» بار دیگر با چاپ کتاب «چندهای سورانو» شگفت‌زده می‌شوند. این کتاب به تازگی به ترجمه خانم گیتا گرکانی و به همت انتشارات کاروان به بازار کتاب آمده است. متن اصلی کتاب نیز چند سال پیش به همت پرفسور روبرتو کالاسو ناشر و ویراستار متولد فلورانس همراه با مؤخره مفصلی در باب اهمیت کتاب به چاپ رسیده است.

در این‌جا درنگی کوتاه بر فلسفه نگارش این کتاب می‌کنیم: کافکا از سپتامبر ۱۹۱۷ تا آوریل ۱۹۱۸، هشت ماه در سورانو در حومه روستایی بوهمی در خانه خواهرش «واتلا» به‌سر برد. در این زمان تازه نشانه‌های بیماری سل در کافکا بروز کرده بود و افسردگی شدید نیز همراه این بیماری هم‌زمان جسم و روح کافکا را آزرده می‌کرد و حوصله و توانی برای نگارش داستان کوتاه و بلند برایش باقی نگذاشته بود. پندهای سورانو (گزین‌گویه‌ها) حاصله این دوره سخت بیماری است

توجه به قطعه ادبی و نگارش جملات قصار (گزین‌گویه) در تاریخ ادبیات سابقه‌ای بس دیرین دارد. در یکی از پاپیروس‌های بازممانده از دوران مصر باستان به خط هیروگلیف به جمله‌ای تکان‌دهنده برمی‌خوریم که هنوز پس از چند هزار سال تأثیرگذار و تفکربرانگیز است: «زندگی را بزی، مرگ را نخواهی زیست» این شکل فلسفی - ادبی در یونان باستان خصوصاً نزد حکما و فلاسفه ماقبل سقراط و پس از سقراط رشد چشمگیری پیدا کرد. در این دوران به جملاتی برمی‌خوریم که گاه چکیده اندیشه‌های فلسفی یک فیلسوف را در چند کلمه خلاصه کرده است. در این میان جمله معروف منتسب به سقراط: «خودت را بشناس» از شهرت فراوانی در تاریخ فلسفه برخوردار است.

طی قرون و اعصار اهمیت این سبک عمیق، نغز و اندیشه‌ورزانه چندان شناخته نشد تا قرن هفدهم میلادی در فرانسه و نزد مورالیست‌های فرانسوی که به این سبک آبرو و حیثیت ویژه‌ای بخشیدند و آن را به اوج و کمالی غیرقابل تکرار رساندند.

مورالیست‌ها که بیشتر فیلسوفانی اخلاق‌گرا بودند، مروج گونه‌ای تفکر اخلاق‌مدارانه در جهان برای بیان نظرات و تبلیغ فکر و اندیشه خود به این فرم ادبی متوسل شدند. از لاپرویر، لاروشفوکو، پاسکال و قبل از آن‌ها مونتینی حجم عظیمی گزین‌گویه به‌جا مانده است. لاروشفوکو در کتاب maximes et reflexions که شاخص‌ترین کتاب نویسنده به حساب می‌آید در قالب ۷۰۰ گزین‌گویه درخشان عمده‌ترین مسائل سیاسی و فرهنگی روزگار خود را به نقد کشیده و اساس فلسفه اخلاق انتقادی خود را بر این شیوه بیان کرده است. پاسکال و مونتینی نیز به نوبه خود و در پیشبرد و تکامل این فرم فلسفی - ادبی نقش بسزایی ایفاء کردند.

در این میان سهم فرهنگ و ادبیات آلمانی‌زبان در تکامل گزین‌گویه از سایر فرهنگ‌ها شاخص‌تر و برجسته‌تر می‌نماید.

در قرن نوزدهم از رمانتیک‌های آلمانی جملات فوق‌العاده عمیق باقی مانده. در این میان و در کل تاریخ فرهنگ بشری هیچ اندیشمندی همچون (فریدریش نیچه) نتوانسته جملات و عبارات‌های عمیق و درخشان و موجز از خود به یادگار بگذارد. اساس فلسفه نیچه بر گزین‌گویه است و از آن‌جا که برخلاف دیگر فلاسفه

و نشان‌دهنده عمق دلمشغولی‌های فلسفی نویسنده.

به تعبیر پرفسور کلاسو در مقدمه کتاب: «کافکا پیش‌از آن هرگز برای متون خود این نوع صفحه‌بندی و توالی را به‌کار نبرده بود و اگرچه درمورد این پندها هیچ اشاره‌ای مستقیم یا غیرمستقیم از او نمانده، بی‌اختیار فکر می‌کنیم قصد داشته این نوشته‌ها را به همان شکل که روی آن تکه کاغذهای نازک تنظیم کرده منتشر کند».

نکته قابل تأمل درباره این کتاب آن است که بی‌گمان از خلال مطالعه دقیق آن می‌توان به برخی از مهم‌ترین موقعیت‌ها و دلمشغولی‌های کافکا خصوصاً در دوران کمال ادبی و یختگی فکری او پی برد. خواننده علاقه‌مند با مطالعه پندهای سورانو ناخودآگاه طرح‌های فشرده و کلی از سه رمان بزرگ و ناتمام نویسنده را به یاد می‌آورد.

همچنین با مطالعه این پندها درمی‌یابیم که برای فرانتس کافکا تمامی دنیا «باوری واهی» دروغی بود و این یکی از کلیدهای اصلی برای شناخت تمامی آثار این نویسنده است. کافکا که همواره بیمار معرفت بود، در پایان معرفت را خوار شمرد. او در حقیقت با تمسخری پنهان به ما می‌گوید: «از زمان گناه نخستین - ما همه ذاتاً در شناخت خیر و شر به یک اندازه توانایییم». چراکه «تنها پس‌از معرفت است که تفاوت‌های واقعی آغاز می‌شود».

پندها سورانو / کافکا / گیتاگرگانی / کاروان / ۱۳۸۷

منابع:

برای نگارش این یادداشت از دو کتاب با ارزش بهره برده‌ام

۱. گفت‌وگو با کافکا / گوستاو یانوش / فرامرز بهزاد / خوارزمی ۱۳۸۷

۲. از کافکا تا کافکا / موریس بلانشو / مهشید نونهالی / نشر نی ۱۳۸۶



توجه و استقبال از رمان‌های پاتریک مودیانو در زبان فارسی و نزد علاقه‌مندان به ادبیات غرب و خصوصاً (رمان معاصر فرانسه) اتفاق مثبت و مهمی است که هرچند کمی دیر اما درنهایت انجام پذیرفته است.

کتاب

در سال ۱۳۸۰ به همت فروغ احمدی ترجمه شایسته‌ای از رمان معتبر این نویسنده (خیابان بوتیک‌های تاریک) که برنده جایزه گنکور سال ۱۹۷۸ شده بود سرآغاز شناساندن این نویسنده به ادب‌دوستان ایرانی بود که متأسفانه به دلیل آن‌چه (بی‌دلتی در پخش و توزیع کتاب) نامیده می‌شود کتاب هرگز دیده نشد و

چرا مودیانو را دوست داریم

مروری بر کتاب ناشناخته‌ماندگان^۱

نوشته پاتریک مودیانو

● آرش نقیبیان